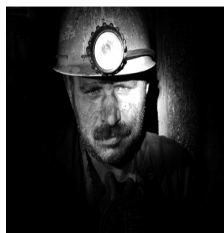


مبارزات کارگران معادن ذغال سنگ در آمریکا در سالهای 1964-1980



نوشته: پاول جی. نایدن (نشریه مانتلی ریویو)
ترجمه و تلخیص: نادر احمدی
<http://democraciesocialisty.blogfa.com/>

در ویرجینیای غربی هیچوقت صلح حاکم نیست زیرا در آنجا هیچوقت عدالت حاکم نیست. محدودیت های قانونی و کاربرد اسلحه مانند مرفین فقط برای مدتی کوتاه دردها را تسکین می دهد اما مدت کوتاهی بعد از آن دوباره درد و عذاب آغاز می شود. در آنجا امسال و هر سال کارگران خود را برای مبارزه و اعتصاب آماده میکنند. آری چنین است در ویرجینیای غربی. (مادر جونز)
عصیان کارگران در معادن ذغال سنگ از پیتسبورگ تا منطقه رودخانه اهایو زمانی شروع شد که در سال 1964 در انتخابات درونی اتحادیه کارگری «**اتحادیه کارگران معادن**»، کارگران، اعتبار رهبری این اتحادیه را به زیر علامت سؤال بردند. همچنین در آن سالها نگرانی و خشم در بین کارگران معادن ذغال سنگ کالیفرنیا در جنوب غربی ویرجینیا بخصوص در باره شیوع بیماری دردناک و کشنده "بلک لانگ" (سیاهی ریه) شدید بود. سخنرانی های دکترها در سالنهای اتحادیه های کارگری، در مدارس و در کلیساهای به نگرانی های مردم و کارگران دامن می زد. یک حادثه فجیع مقاومتها در حال افزایش کارگران را شعله ور کرد. در بیستم نوامبر سال 1968 انفجار ناشی از گاز متان و خاکستر ذغال سنگ باعث مرگ بیش از هفتاد کارگر شد و خبر وقوع این حادثه در سراسر آمریکا منعکس شد. واکنشهای رهبران اتحادیه های کارگری و سیاستمداران در باره آن فاجعه همگی مشابه و در جهت توجیه آن بودند و آقای تونی بویل رهبر اتحادیه کارگری «**اتحادیه کارگران معادن**» به این معدن مسافرت کرد و در آنجا گفت: "...تا زمانی که ما مجبوریم در معدن کار کنیم یک چنین اتفاقاتی اجتناب ناپذیر هستند و کمپانی صاحب معدن حادثه دیده از نظر انجام اقدامات ایمنی برای کارگران یکی از بهترین کمپانیها است...." اما در سال 1947 وقتی که در حادثه مشابهی در معدنی در ایلینویز 111 کارگر کشته شدند آقای جان. ال. لوئیس بر خلاف آقای تونی بویل، در بازدید از آن معدن گفت: "...ذغال سنگ با خون تعداد زیادی از کارگران آغشته شده است و تعداد زیادی زن بیوه و بچه یتیم بر جای گذاشت است.."

♦ اعتصابات سال 1969 در رابطه با بیماری ریه سیاه

آقای آی.ای.باف که یک متخصص قلب بود به تنهایی یک کمپین برای افشای کمپانی های استخراج ذغال سنگ براه انداخت زیرا این کمپانیها هیچ اقدامی جهت کنترل ذرات ذغال سنگ معلق در هوای معادن انجام نمی دادند. در سالهای 1950 کار مداوم ماشینهای حفاری موجب آلوده کردن هوای معادن ذغال سنگ زیرزمینی می شدند (ورود و انباشت ذرات ذغال سنگ معلق در هوا در ریه های کارگران باعث ایجاد بیماری سیاهی ریه می شد که خود موجب مرگی دردناک می شد.) آقای آی.ای.باف در سال 1968 به فرماندار منطقه گفت که در بین کارگران مبتلا به بیماری "سیاه شدن ریه" در ویرجینیای غربی، تاکنون فقط چهار نفر خسارت دریافت کرده اند. در جهت خنثی کردن اقدامات کسانی مثل آقای باف، انواع کسانی که سر در آخور سرمایه داران به توجیه شرایط ناسامان کارگران پرداختند. برای مثال چارلز اندروز رئیس بخش تحقیقات علمی دانشگاه ویرجینیا اعلام کرد که: "...بله ممکن است که خاکستر ذغال سنگ باعث ایجاد ناراحتی برای کارگران بشود اما علت اصلی مریض شدن کارگران کشیدن سیگار است." و در ادامه یک مؤسسه پزشکی در "کابل کاوتنی" اعلام کرد که وضعیت سلامتی کارگران در شرایط قابل قبولی است و وجود بیماری سیاهی ریه جای نگرانی ندارد. مرکز پزشکی "کناوها کاوتنی" با انتشار بیانیه ای، عملکرد پزشکی را که بر علیه عوارض بیماری سیاهی ریه افشاگری میکنند محکوم کردند. رهبران اتحادیه کارگری «**اتحادیه کارگران معادن**» توجه کمی به نگرانی کارگران در مورد بیماری سیاهی ریه از خود نشان میدادند. در 26 ژانویه 1969 هزاران نفر از کارگران و خانواده های آنان در یک گردهمایی از دولت و قانونگذاران خواستند که ضمن کنترل آلودگی هوا در معادن ذغال سنگ، به کارگران قربانی بیماری سیاهی ریه خسارت بپردازند و دکتر باف نیز به این گردهمایی دعوت شده بود اما او حضور نیافت.

سه روز بعد آقای ر.ر.هامپریز رهبر اتحادیه کارگری «**اتحادیه کارگران معادن**» در منطقه 17 در چارلستون یک سخننامه به تمامی اتحادیه های کارگری وابسته به خود صادر کرد و از آنان خواست تا مبادا به مؤسسه حمایت از مبتلایان به بیماری سیاهی ریه کمک مالی نکنند و تهدید کرد که هر کارگری که عضو این مؤسسه بشود از عضویت در این اتحادیه کارگری اخراج خواهد شد.

دکتر رنالد برنز که از طرف مرکز پزشکی "کابل کاونتی" قبلاً بیانیه ای برای توجیه و بی اهمیت بودن بیماری سیاهی ریه صادر کرده بود در جلسه بررسی تدوین قانون در مورد این بیماری حضور داشت و آقای سناتور "وارن مک گراو" که خودش در یک خانواده صاحب معدن متولد شده بود از آقای برنز پرسید که صاحبان معدن ذغال سنگ چقدر پول به او پرداخته اند تا او به نفع آنان شهادت بدهد؟ و آقای برنز در جواب گفت: " .. که به من به اندازه کافی پرداخت نشده است و من نمی توانم به شما بگویم که دقیقاً چه مبلغی دریافت کرده ام اما پولی که من دریافت کرده ام بابت اعلام نظرم و وقتی که صرف این موضوع کرده ام به من پرداخت شده است ..."

به دنبال آن در سه شنبه 18 فوریه در معدنی در نزدیکی شهر "ردل" به هنگامی که شیفت روز میخواست کار خود را در زیر زمین آغاز کند یکی از کارگران به دلیل مریضی سیاهی ریه حالش به هم خورد و تمامی کارگران با دیدن این صحنه دست از کار کشیدند و خواستار تصویب قانون حمایت از مبتلایان به بیماری سیاهی ریه شدند. روز بعد کارگران 14 معدن دیگر نیز که در نزدیکی این شهر بودند دست از کار کشیدند و تا آخر همان هفته دوازده هزار کارگر معدن در آن ناحیه در اعتصاب بودند. در روز دوشنبه بعد از آن، هزاران کارگر وارد چارلستون شدند و شعار می دادند: تا قانون حمایت از بیماران مبتلا به سیاهی ریه تصویب نشود، ذغال سنگ استخراج نخواهند کرد و تا یک روز بعد یعنی روز سه شنبه، بیش از سی هزار کارگر در اعتصاب بودند. بعضی ها کمونیستها را مسئول برانگیختن اعتصاب و آقای باف عدم تمایل قانونگذاران برای تصویب قانون حمایت از کارگران را عامل شروع اعتصاب می دانستند. در پنجم ماه مارس وقتی که مجلس سنا بررسی قانونی در مورد رسیدگی به وضع کارگران مبتلا به بیماری سیاهی ریه را آغاز کرد، از چهل و سه هزار کارگر معدن در ورجینیای غربی، چهل هزار نفر بطور غیر قانونی در اعتصاب بودند. اما قانون مصوبه مجلس سنا بسیار ضعیف تر از قانونی بود که مجلس نمایندگان آمریکا تصویب کرده بود تا اینکه سرانجام در 8 مارس هردو مجلس قانونگذاری در آمریکا قانونی را تصویب کردند که شبیه قانون اولیه مصوبه مجلس نمایندگان آمریکا بود. به موجب این قانون کارفرماها موظف به کنترل میزان آلودگی هوای معادن شدند و یک صندوق مالی برای حمایت از کارگران مریض ناشی از بیماری سیاهی ریه ایجاد شد. کارگران معدن که روز بعد در شهر برکلی تجمع کرده بودند گفتند که تا زمانی که این قانون توسط آقای "آرچ مور" فرماندار ایالت از حزب جمهوریخواه امضا، نشود به سر کارهای خود باز نخواهند گشت. سرانجام آقای مور تحت فشار شدید، قانون مصوب مجالس نمایندگان آمریکا را امضا، کرد و بدین ترتیب کارگران در نتیجه اتحاد و مبارزه بطور نسبی به خواسته های خود رسیدند هر چند که سرمایه داران همیشه و در همه جا به تعهدات خود عمل نمی کنند و قوانین خود پذیرفته را زیر پا می گذارند و نقض می کنند.